

برساخت حسرت اجتماعی در بستر آرزوهای مادی، مطالعه‌ای کیفی در شهر یزد

علی روحانی^{۱*}، سیدعلیرضا افشانی^۲، فائزه تقوا^۳، شکایلا مرادی^۴، بهار امینی لاری^۵، صبا صمدیان سربیشه^۶

- ۱- نویسنده مسئول*، دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: aliruhani@yazd.ac.ir
- ۲- استاد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: afshanalireza@yazd.ac.ir
- ۳- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی در دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: saragooli.7875@gmail.com
- ۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران در دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: shakila929moradi@gmail.com
- ۵- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه در دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: Bahar.a.org@gmail.com
- ۶- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات جوانان، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، مازندران، ایران. رایانامه: Sabasamadian.h@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ کلید واژه‌ها: جوانان، حسرت، بسترهای اجتماعی/فرهنگی، بسترهای سیاسی/اقتصادی، یزد	هدف پژوهش: حسرت اجتماعی به عنوان یک پدیده پیچیده، ریشه در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد و تأثیرات عمیقی بر زندگی فردی و اجتماعی جوانان بر جای می‌گذارد. از این رو، هدف اصلی این پژوهش، واکاوی برساخت اجتماعی حسرت در میان جوانان و شناسایی شرایطی است که باعث شکل‌گیری و تعمیق حسرت اجتماعی در آنان می‌شود. روش پژوهش: پژوهش حاضر از پارادایم تفسیری استفاده کرده و با روش کیفی و تحلیل مضمون به گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است. جامعه هدف این تحقیق شامل جوانان یزدی است که به روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند از میان آنان ۲۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و برای تجزیه و تحلیل آن‌ها از روش تحلیل مضمون ۶ مرحله‌ای (براون و کلارک، ۲۰۱۹) استفاده شد. یافته‌ها: در نهایت، از مجموع ۲۳ مصاحبه‌ای انجام شده، ۹۲ مفهوم استخراج شد. سپس مفاهیم مشابه در قالب ۲۴ مضمون فرعی، و در نهایت از ارتباط مضمون‌های فرعی ۵ مضمون اصلی شامل آرزوهای حسرت شده، تهی‌شدن از آرامش معنوی، زیست آرمانی، غرق‌شدن در مصرف نشانه‌ها و ظاهرگرایی بدست آمد. نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان داد که حسرت اجتماعی در میان جوانان یزدی پدیده‌ای چندبعدی است که همگی عواملی هستند که به‌طور هم‌زمان یا به‌طور جداگانه بر تجربه‌ی اجتماعی و فردی حسرت تأثیرگذارند. این عوامل از یک‌سو به انتظاراتی ناصحیح و دست‌نیافتنی می‌انجامد و از سوی دیگر باعث کاهش رضایت از زندگی و بروز بحران‌های اجتماعی و روانی در میان جوانان می‌شوند. در معنای دیگر، حسرت اجتماعی در لایه‌های اجتماعی جامعه برساخت می‌شود و آرزوهای مادی آن را شکل می‌دهند.

استناد: روحانی، ع. افشانی، س.ع. تقوا، ف. مرادی، ش. امینی لاری، ب. صمدیان سربیشه، ص. (۱۴۰۵). برساخت حسرت اجتماعی در بستر آرزوهای مادی، مطالعه‌ای کیفی در شهر یزد، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۵(۲)، ۵۶-۳۷. تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



[10.22034/jeds.2026.70107.1910](https://doi.org/10.22034/jeds.2026.70107.1910)



مقدمه

حسرت و افسوس، احساسی است که قطعاً همه آدم‌ها یک بار آن را در زندگی تجربه کرده‌اند و ریشه آن را می‌توان از زمان هابیل و قابیل، فرزندان آدم و حوا، جست؛ زمانی که فرزندان آدم و حوا بر سر مقام پیامبری باهم به جدال پرداختند و قابیل هابیل را کشت و بعد از آن دچار حسرت و پشیمانی شد. به‌طور کلی، تمامی کنش‌های انسان دارای پیوست هیجانی است و تعاملات و کنش‌های انسانی در بستری از این هیجانات صورت می‌گیرد. چنانچه این هیجانات را از زندگی بشر حذف کنیم دیگر شور زندگی باقی نخواهد ماند. از سوی دیگر، چنانچه در آثار نمایان است، در قرن هفدهم فیلسوفان تصور می‌کردند عاطفه و هیجان امری غریزی و غیر عقلانی است (افراسیابی و همکاران، ۱۳۹۴؛ سیدحسینی و همکاران، ۱۴۰۳).

به عبارتی، حسرت، یک احساس دردناک و یک نوع غم است که در نتیجه تناقض بین آنچه که هست و آنچه که می‌توانست باشد، اتفاق می‌افتد؛ به نوعی، حسرت را می‌توان تحت عنوان یک هیجان منفی در نتیجه‌ی باور فرد، در مورد آن چه که انتخاب کرده است، دانست (اسدی و همکاران، ۱۳۹۹). به بیانی دیگر می‌توان گفت، گاهی حسرت نه فقط نتیجه کوتاهی فرد، بلکه متأثر و محصولی از ساختارها، نابرابری‌ها، فشارهای فرهنگی و تغییرات تاریخی و اجتماعی است.

با این وجود، احساس بخش جدایی‌ناپذیر انسان بودن ما است و یک پدیده روانشناختی و فیزیولوژیکی است. احساسات واکنش‌هایی هستند که در مواجهه با رویدادها و موقعیت‌های مختلف در وجود ما نمود پیدا می‌کند. از لحاظ جامعه‌شناختی، لازمه به وجود آمدن احساسات ارتباطات اجتماعی و کنش‌های متقابل انسانی است. برای مثال افراد یک جامعه چگونه می‌توانند بدون قرار گرفتن در چارچوب مقایسه اجتماعی و رقابت اجتماعی خود با دیگران حسرت را تجربه کنند؟ چرا فرد احساس حقارت می‌کند؟ بنابراین، اساساً بدون جامعه‌پذیر شدن انسان احساساتی در چارچوب‌های ارزشی و هنجاری تولید نخواهد شد. مانند احساس حسرت، حسادت، حقارت، مسئولیت‌پذیری یا قدرشناسی (ربانی، ۱۳۸۸؛ حشمتی، ۱۴۰۴).

بر همین اساس، احساساتی نظیر شرم، گناه، هم دردی، همدلی که اغلب احساسات اخلاقی به حساب می‌آیند و می‌تواند برای جامعه کارکرد مثبت داشته باشد. اما حسرت، اندوه، غم، افسوس در جامعه احساساتی با کارکرد منفی به شمار می‌آید و می‌تواند در زندگی اجتماعی فرد تأثیرات منفی بگذارد. از جمله پیامدهای منفی حسرت در زندگی جوانان عبارتند از: تنهایی، ناامیدی، مقایسه اجتماعی، بی‌حوصلگی، بی‌ارزشی، خستگی و... است. احساس تنهایی تجربه ذهنی ناپسند در پاسخ به نابرابری‌های کمی و کیفی در مناسبات اجتماعی است که هوشیاری شناختی فرد را از ضعف در ارتباطات فردی و اجتماعی توصیف می‌کند که در نهایت به احساس پوچی، غمگینی، یاس و حسرت منجر می‌شود (آشر و پاگت، ۲۰۰۳).

به‌طور کلی، حسرت و برآورده نشدن آرزوها باعث ناامیدی و انفعال در افراد می‌شود؛ منظور از ناامیدی این است که فرد نسبت به تغییر احساس درماندگی می‌کند (سارین و همکاران، ۲۰۰۵). ناامیدی باعث می‌شود فرد نسبت به خود احساس بد و منفی پیدا بکند (مارچتی و همکاران، ۲۰۲۳). با این وجود، ناامیدی در افراد باعث می‌شود فرد در زندگی معنای خاصی نیابد (سوری، ۱۳۹۴). حسرت باعث می‌شود جوانان از زندگی فعلی خود ناامید شوند، ناامیدی هم ادامه پیدا کند، باعث می‌شود فرد منفعل شود و به دیگر اهداف خود فکر نکند، دست از تلاش بردارد و در موارد عمیق‌تر دست به مقایسه بزند و عزت نفس خود را از دست دهد و در دور باطل شکست و ناامیدی بیفتد و احساس درماندگی کند (بندورا، ۱۹۹۷). با ادامه پیدا کردن این حسرت و عمیق شدن این دست از احساسات فرد خود را در زندگی موثر نمی‌داند و تأثیرگذاری بر زندگی خویش نمی‌پندارد و به پوچی و بی‌مفهومی در زندگی دست می‌یابد که سرانجام این بی‌معنایی در زندگی، می‌تواند فرجام‌های نامطلوبی همچون خودکشی را در پی داشته باشد.

1. Asher & Paquette
2. Sarin et al
3. Marchetti et al
4. Bandura

تغییرات فناوری، موج‌های مهاجرتی، رسانه‌های اجتماعی و ... سبک‌زندگی بسیاری از شهروندان ایرانی را تغییر داده است (بنی‌جمالی و صادقی‌فسایی، ۱۳۹۹). شهر یزد از این امر مستثنی نیست. شهر یزد به‌عنوان یکی از سنتی‌ترین شهرهای ایران در سال‌های اخیر دچار تغییرات عمده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شده است. از سویی درآمد سرانه بالاتر در این استان، موج‌های مهاجرتی را به سمت استان سوق داده است و از سوی دیگر مصرف رسانه‌ای جوانان در استان در رتبه‌های بالاتری قرار دارد. ورود مهاجران با فرهنگ‌های گوناگون از یک سو و فرایند استفاده از فناوری‌های جدید و مصرف رسانه‌ای بالا از سوی دیگر تغییرات عمده‌ای در ارزش‌ها، نگرش‌ها و عواطف شهروندان یزدی به‌وجود آورده است. به‌گونه‌ای که در یک پروژه پژوهشی یکی از همکاران این پژوهش، دختران یزدی ورود دختران مهاجر به شهر دلیل عمده تسهیل‌پذیر در تغییر پوشش خود توسط خانواده‌های‌شان قلمداد می‌کردند. این وضعیت منجر شده است که جوانان یزدی در آستانه دنیای مدرن، دچار تغییرات ارزشی و نگرشی شوند و در این میان یکی از اصلی‌ترین اموراتی که در آنها تغییر می‌کند نوع مواجهه و بروز احساسی آنان در مواجهه با این پدیده است. این مواجهه در حوزه احساسات بروز پیدا می‌کند. بسیاری از آنان در آشنایی با دنیای مدرن یا آشنایی با فرهنگ‌های دیگر حسرت‌های خود را بیان می‌کنند. از حسرت گفت‌وگوی منطقی با والدین تا حسرت سفر مجردی، طیف گسترده‌ای از حسرت‌هایی است که جوانان با آن درگیر هستند. درواقع از سویی در دل جامعه بومی شهر یزد، ارزش‌های ساده‌زیستی در میان جوانان رنگ باخته است، و از سوی دیگر مقایسه‌های اجتماعی آنان با جوانان سایر شهرهای ایران و جهان، منجر شده است که آنان وضعیت حال خود را بغرنج‌تر تصور کنند. به‌همین دلیل گویی حسرت‌های اجتماعی در میان آنان به‌صورت مشخصی در حال رشد است و فرهنگ سنتی شهر یزد پاسخگوی تغییرات آنان نیست. به‌همین دلیل این مطالعه سعی می‌کند سراغ این احساس و عاطفه بنیادین برود و آن را در متنی اجتماعی و فرهنگی مورد واکاوی قرار دهد. به‌همین دلیل سعی خواهیم کرد از تفاسیر روان‌شناختی دور مانده و حسرت را به عنوان یک احساس و عاطفه به سویه‌های اجتماعی متصل کنیم.

ادبیات پژوهش

برای درک عمیق‌تر، مطالعه حاضر، تحقیقات داخلی و خارجی و روش کار آنها را مورد بررسی قرار داده و تلاش شد پژوهش‌های متنوع حول محور مسئله حسرت بررسی شوند.

کشاوری (۱۴۰۲)، مقاله‌ای تحت عنوان «امید و ناامیدی در جامعه ایران» بیان می‌کند تبعیض‌های سیستماتیک و طرد شدگی، دایره تولید و توزیع امید، اهمیت به سزایی در بین دانشجویان دارد؛ و همچنین دانشجویان، پیامد ناامیدی را مهاجرت می‌دانند. انسداد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از دلایل ناامیدی در بین دانشجویان است. اله دادی و همکاران (۱۴۰۲)، با مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های احساس یاس و ناامیدی در بین سالمندان شهر اهواز» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد: حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی هر چه بیشتر باشد، احساس یاس و ناامیدی کمتر می‌شود؛ و همچنین هر چه پایگاه اجتماعی بالاتر باشد، احساس یاس و ناامیدی کمتر می‌شود. مختار و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «دوگانه امید و یاس اجتماعی در دولت دوازدهم بررسی عوامل، زمینه و پیامدها» به یاس و امید اجتماعی در جامعه پرداخته‌اند. نتیجه‌گیری آن‌ها از مقاله این بود که: با افزایش امید در جامعه، اعتماد اجتماعی، مشارکت و تعاملات اجتماعی افزایش پیدا می‌کند؛ و همچنین امکان تحرک اجتماعی و حمایت اجتماعی در اجتماع فراهم می‌شود. اسدی (۱۳۹۹)، در تحقیقی کیفی به بررسی «حسرت خانواده‌های داغدار بیماران سرطانی» پرداخته است. خانواده‌های بیماران سرطانی در زمان حیات بیمار، مشکلات و ناراحتی‌های زیادی را تحمل می‌کنند و پس از فوت بیمار با احساساتی از قبیل حسرت، بی‌اعتقادی، پریشانی، دغدغه‌های ذهنی مواجه می‌شوند. این افراد باید از زمان شروع بیماری به روانشناس، روحانی مذهبی، مددکار اجتماعی مراجعه کنند تا از سوی آن‌ها راهنمایی و آموزش‌های لازم را در زمینه شیوه تعامل و رابطه با بیمار، اثرات روند درمان را دریافت کنند. اکبری و همکاران (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان «کارکرد خانواده ادراک شده و افکار خودکشی دانشجویان: نقش تعدیل‌کننده ناامیدی» انجام شده است. نتیجه نشان داد ادراک کارکرد کلی خانواده باعث ناامیدی و در

درجات بالاتر باعث افکار خودکشی فرد در خانواده می‌شود. لاوروک و همکاران (۲۰۲۴). مقاله‌ای با عنوان «نابرابری درآمد و خطر مرگ ناشی از ناامیدی در کانادا» نوشته‌اند. نتایج نشان داد: روابط قابل توجهی در ضریب جینی با افزایش خطر مصرف بیش از حد دارو و مرگ‌های ناشی از ناامیدی با خودکشی مرتبط است. استرس، انسجام اجتماعی و دسترسی به متخصصان سلامت روان به طور قابل توجهی ارتباط بین نابرابری درآمد و پیامدهای مرگ و میر را توجیه می‌کند. پس نتیجه گرفتند برای توسعه برنامه‌هایی برای رسیدگی به نابرابری درآمد در کانادا اعمال شود. گراهام (۲۰۲۴). مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای امید و ناامیدی از زندگی و تصمیمات دولت» نوشته‌اند. این مقاله شواهدی ارائه کرد که امید بر نتایج اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد و نمونه‌هایی از سیاست‌هایی که می‌توانند به بازگرداندن امید در جمعیت‌هایی که آن را از دست داده‌اند کمک کند. در نتیجه می‌توان گفت جلوگیری از ناامیدی در یک نسل برای سلامت و امنیت جامعه ضروری است. پرایس و همکاران (۲۰۲۴). مقاله‌ای با عنوان «درک سهامداران از مرگ و میر ناشی از ناامیدی» در شمال شرق انگلستان انجام داده‌اند. نتیجه نشان می‌دهد: افزایش مرگ و میر در کشورهای ثروتمند ناشی از مصرف مواد مخدر و الکل، خودکشی است که به آن عنوان "مرگ‌های ناشی از ناامیدی" نامیده می‌شود. در ایالات متحده و بریتانیا مرگ و میر ناشی از ناامیدی در طبقه محروم و غیرصنعتی بالاتر است. روزز و همکاران (۲۰۰۵)، در تحقیقی تحت عنوان «ما از چه چیزی بیشتر پشیمان می‌شویم و چرا؟ در جست‌وجو برای پاسخ دادن به این سوال که کدام حوزه‌ها در زندگی بیشترین پتانسیل پشیمانی را دارند و در یازده طبقه نشان داده است بزرگ‌ترین حسرت‌ها در حوزه تحصیل، شغل، عشق، فرزندپروری و اوقات فراغت است و یافته‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین حسرت و پشیمانی افراد از این است که چرا فرصت‌های بزرگ را از دست داده‌اند. زیلینگ برگ (۱۹۹۸)، در تحقیقی با عنوان «تجربه پشیمانی و ناامیدی» به تجربه افراد و پشیمانی‌های روزمره و تجربه آن‌ها از تصمیمات نامطلوب می‌پردازد. برگ می‌گوید ناامیدی و حسرت زمانی تجربه می‌شود که نتیجه یک تصمیم نامطلوب باشد با این حال، برخی از نظریه‌پردازان تفاوت بین حسرت و ناامیدی، را مهم می‌دانند و استدلال می‌کنند که آن‌ها با توجه به شرایطی که تحت آن احساس می‌شوند و نحوه تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری متفاوت هستند. هدف پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که چگونه این احساسات با توجه به تجربه آن‌ها متفاوت است یا خیر. از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا یک مورد از حسرت یا ناامیدی شدید را به خاطر بیاورند و آن چه را که در طول این مدت احساس می‌کردند، فکر می‌کردند، انجام می‌دادند و انگیزه انجام آن را داشتند را بیان کنند. تفاوت‌های قابل توجهی بین پشیمانی و ناامیدی در هر دسته یافت شد. این تفاوت‌ها بیشتر برای گرایش‌های کنشی (چه شرکت‌کنندگان دوست داشتند، انجام دهند) و انگیزه‌ها (آن چه برانگیخته شده‌اند، انجام دادند). این نتایج نشان می‌دهد که این دو احساس پیامدهای متفاوتی برای رفتار آینده دارند.

با بررسی تحقیقات انجام شده مشخص می‌شود مسئله حسرت اجتماعی به‌طور مشخص مورد واکاوی قرار نگرفته است. در پژوهش‌های صورت گرفته، مسائلی نظیر ناامیدی، پشیمانی و یاس اجتماعی بررسی شده‌اند که بیشتر ریشه روان‌شناختی دارند.

چهارچوب مفهومی

مفهوم عاطفه تا سال ۱۸۵۰ میلادی در فرهنگ لغت آکسفورد وجود نداشت. در فرهنگ لغت آکسفورد واژه‌های ترس، خشم، عشق و ... وجود دارند (مقدس و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). توجه به عواطف، خصوصاً عشق بعد از رشد سرمایه‌داری و سبک زندگی بورژوازی رونق گرفت. خانواده‌های بورژوا توجه ویژه‌ای به عشق از خود نشان دادند (اعزازی، ۱۳۸۹). عاطفه بعدها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به بستری برای مطالعات روان‌شناختی و روان‌کاوی تبدیل شد. در ربع قرن آخر قرن بیستم، عاطفه وارد حوزه مطالعات جامعه‌شناختی گشت (مقدس و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۴۵؛ کیان‌پور، ۱۳۸۸: ۳۵). امروزه عاطفه در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و علوم عصبی و شناختی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و زمینه‌های تحقیقاتی جدیدی را می‌کاود. در این مسیر، نظریه‌های متفاوتی نیز ارائه شده است که در سه سطح خرد و متوسط و کلان مطرح می‌شود.

عواطف خرد

بیشترین تلاش‌ها برای ساخت «انسان منطقی» در اوایل قرن بیستم توسط رفتارپژوهان صورت گرفت. این گروه از دانشمندان در آن برهه از تاریخ، عواطف را بسیار جدی می‌گرفتند تا به وسیله تنظیم و حذف عواطف منفی، انسان را منطقی‌تر کنند. همین تلاش‌ها در قرن ۲۱، توسط متخصصان علوم شناختی و عصب‌شناسی صورت گرفت. سابقه این تلاش‌ها البته به کار چارلز داروین «ابراز عواطف در انسان‌ها و حیوانات» نیز بازمی‌گردد. چنین علوم و نظریه‌هایی دانشمندانی مانند پل اکمان را ترغیب نموده بود که بر اساس این نظریه‌ها، به دنبال ویژگی‌های عاطفی جهان‌شمول افراد در فرهنگ‌های متفاوت باشد (اکمن، ۲۰۰۹).

رویکرد پدیدارشناسی توصیف تندی از ماهیت فعال، انتخابی، معناساز و جهان‌ساز از عاطفه ارائه می‌کند. به باور آن‌ها، عواطف به افراد کمک می‌کنند تا جهانی که در آن زندگی می‌کنند را خلق کرده و ساختار دهند. جهان یک فرد افسرده با جهان فردی با اعتمادبه‌نفس بالا کاملاً فرق می‌کند؛ زیرا انسان‌ها قربانی عاطفه نیستند، بلکه درمقابل آن، مسئول عواطف خود هستند. در همین مسیر، سارتر معتقد است که عواطف قدرت‌های فعالی هستند که جهان افراد را شکل می‌بخشند. افراد به داستان‌ها و اسطوره‌های خاص علاقه پیدا می‌کنند؛ زیرا آن‌ها آنچه را ما احساس می‌کنیم، توجیه و پشتیبانی می‌کنند (سارتر، ۲۰۰۰).

رابرت سولومن نه تنها درباره مسئولیت افراد بر عواطفشان سخن می‌راند، بلکه همچنین بر عقلانیت عواطف تأکید می‌کند؛ زیرا عواطف را شامل قضاوت‌هایی می‌داند که ممکن است صحیح یا غلط باشند و معناداری زندگی بر اساس عواطف صورت می‌گیرد. عواطف افراد روابط آن‌ها را با جهان تنظیم می‌کند و افراد دسترسی فعالانه و آگاهانه‌ای به این روابط دارند و در نتیجه می‌توانند آگاهانه آن‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال فردی «ترسو» می‌تواند قضاوت‌های ناآگاهانه خود را از اینکه هیچ‌کس قابل اعتماد نیست، بازاندیشی کند و عواطفش را تغییر دهد (سولومن، ۱۹۹۳).

به طور کلی این گروه از اندیشمندان و چنین رویکردهای خرد نسبت به عواطف، به بُعد جمعی و عواطف اشتراکی اشاره‌ای نمی‌کنند. در واقع، این رویکرد نمی‌تواند در عواطف اشتراکی، آنچه را یک فرد از چیزی مشخص احساس می‌کند، از احساس کسی دیگر از همان چیز تمایز بخشد. به همین دلیل، در مطالعه عاطفه، در سطح فردی و خرد می‌ایستد. به همین جهت، باید سایر رویکردها را در بررسی عواطف بررسی کرد. شمول افراد در فرهنگ‌های متفاوت باشد (اسکیو و ونلود، ۲۰۰۵).

سطح متوسط

نظریه‌پردازی عاطفه در سطح خرد نشان داد که عواطف اختلالات درونی ناآگاهانه نیستند که به وسیله خرد و عقل مدیریت شوند؛ بلکه برعکس، عواطف نیروهای فعالی هستند که زندگی اجتماعی را شکل می‌بخشند. به نظر آن‌ها، عواطف چیزی خارج از کنترل شخص نیست و از شخصیت، قضاوت‌ها و بازاندیشی‌های افراد قابل تفکیک نیست. اما به‌طور کلی این رویکرد در بررسی عاطفه، اطلاعات زیادی درباره قدرت عاطفه جمعی، خیزش‌های عمومی، شیوه‌هایی که در آن ساختارها و فرایندهای گروهی درگیر تمایز عاطفی، نقش‌های عاطفی و ... می‌شوند، ارائه نمی‌دهد. در واقع، بررسی چنین موضوعاتی بیشتر در سطح متوسط و تحقیقات جامعه‌شناختی صورت می‌گیرد. چنین مطالعاتی عاطفه را در سطح گروه‌ها، سازمان‌ها و اجتماعات بررسی می‌کند.

در نزد دورکیم عواطف ریشه در زندگی مذهبی دارند. دورکیم در کتاب اشکال ابتدایی صور دینی بیان می‌کند که عواطف ضرورتاً اجتماعی هستند، همچنان که جامعه ضرورتاً عاطفی است. عواطف در تنهایی قلب انسان‌ها وجود ندارند، بلکه در گرهمایی‌های مناسکی و جمعی به وجود می‌آیند. وقتی افراد برای انجام مناسکی دور هم جمع می‌شوند، تأثیر عاطفی

1. Ekman
2. Satre
3. Solomon
4. Scheve & Von Lude

آن قدر شدت می‌یابد که تقدس آفریده می‌شود. در واقع، آگاهی از عمل مقدس در هیچ چیزی اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه احساس شادابی جمعی به‌وسیلهٔ گردهمایی‌های منظم و متحد به‌وجود آید. به‌همین دلیل، دورکیم معتقد است که عواطف و احساسات از طریق فرایند جمعی تولید می‌شوند و به‌وسیلهٔ تأیید دیگران تقویت می‌شوند. چنین عاطفه‌ای به مرور قانونی می‌شود، در طول زمان‌ها سیر می‌کند و پایه‌های هم‌بستگی اجتماعی را شکل می‌بخشد (دورکیم، ۱۳۸۶).

رنالد کالینز نیز اثر دورکیم را از منظر کنش متقابل‌گرایی نمادین و نظریهٔ مبادله بازخوانی می‌کند. به‌نظر وی، در قلب کنش اجتماعی، «انرژی عاطفی» قرار دارد که نیروی انگیزاننده‌ای برای کل زندگی اجتماعی است. به باور وی، هرکنش متقابلی برای انجام‌شدن به مقداری انرژی عاطفی نیاز دارد؛ اما کنشی موفق است که در مقایسه با میزان هزینه و انرژی عاطفی‌ای که مصرف کرده است، انرژی عاطفی بیشتری تولید کرده باشد. در نتیجه، کنش‌هایی موفق هستند که به‌وسیلهٔ مشارکت‌کنندگان به‌خوبی تجربه شوند و برای حفظ و تکرار آن ارزشمند باشند. بدین ترتیب، برای کالینز سپهر زندگی اجتماعی شامل زنجیره‌هایی از کنش‌های متقابل اجتماعی با کنشگران عقلانی/عاطفی است که احساسات خود را از یک کنش متقابل اجتماعی پرانرژی، به‌سوی کنش متقابل انرژی‌زای دیگر حرکت می‌دهند (کالینز، ۲۰۰۴).

سطح کلان

در این زمینه، تئودور کمپر^۲ (۱۹۷۸) نظریه‌ای جامعه‌شناختی ارائه داده است که عواطف را به ساختار اجتماعی منتقل می‌کند. هستهٔ اصلی و نقطهٔ شروع نظریهٔ کمپر این ایده است که پایگاه و قدرت نمایانگرهای جهانی عاطفه هستند. وی معتقد است که وقتی کنش‌های متقابل اجتماعی می‌توانند برحسب روابط قدرت و پایگاه افراد تحلیل شوند، در نتیجه واکنش‌های عاطفی نیز می‌توانند به‌وسیلهٔ این دو متغیر پیش‌بینی شوند؛ برای مثال مالکیت یا اعمال بیش از اندازهٔ قدرت منجر به احساس گناه می‌شود و قدرت کافی منجر به احساس امنیت می‌شود. درحالی‌که تجربهٔ ناکافی قدرت موجب ایجاد ترس و اضطراب می‌شود.

از جانب دیگر، برخی مورخان اجتماعی و جامعه‌شناسان تاریخی، با نشان دادن مثال‌های موردی، تغییرات عاطفی جوامع را نشان داده‌اند؛ برای مثال «نوربرت الیاس» در مطالعات تاریخی اولیه‌اش و در کتاب فرایند متمدن‌شدن به تغییرات عاطفی جوامع اشاره می‌کند. وی اشاره می‌کند که ساکنان اروپای قرون وسطی، محدودیت‌های عاطفی مشابهی با ساکنان اروپای امروز نداشته‌اند. محدودیت‌های عاطفی افراد در قرون وسطی، بیشتر از جانب محدودیت‌های بیرونی مانند، کلیسا، لردها و ... بوده است تا اینکه درونی باشد. اما امروزه بیشتر این محدودیت‌ها در حوزهٔ فردی و محدودیت‌های خودتنظیمی است. امروزه مردم بیشتر آموخته‌اند که احساساتشان را پشت یک نقاب پنهان کنند و احساسات بدنی را خطرناک بدانند. چنین تحلیل‌های سطح کلان از عواطف، برای معنادار کردن اینکه چگونه تفاوت‌های اجتماعی درون جامعه بر عاطفه تأثیر می‌گذارند، بسیار پر اهمیت می‌شوند؛ زیرا هنجارهای کنترل عاطفی به‌طور برابری بین افراد و در طول جامعه توزیع نمی‌شوند. نخبگان دچار بیشترین فشار هستند تا خودکنترلی عاطفی زیادی از خود نشان دهند و بدین‌گونه کنترل خود را بر موقعیت‌های اجتماعی اثبات کنند. در افرادی با موقعیت‌های وابسته، مانند زنان و کودکان، انتظار می‌رود که فروتنی، ترس، اطاعت و قدرشناسی از خود نشان دهند. آن‌ها شاید آزادی بیشتری برای بیان خودمختارانهٔ عواطفشان داشته باشند، اما حالات آشکار عاطفه مثل عصبانیت و خشم از آن‌ها پذیرفته نیست و به‌ندرت تحمل می‌شود و نمایش جمعی عاطفه به‌طور سیستماتیک کنترل می‌شود (الیاس، ۱۳۹۲؛ هینیش، ۱۳۸۹؛ مجدالدین، ۱۳۸۳).

چگونگی تغییر فرهنگ‌های عاطفی در جوامع مدرن، توسط افراد متفاوتی بررسی شده است که در کنار الیاس در این زمینه می‌توان به دیوید رایزمن نیز اشاره کرد. دیوید رایزمن با توجه به ویژگی‌های عاطفی افراد، سه گونهٔ اجتماعی را در جوامع مدرن متأخر شناسایی کرده است: سنتی، خودراهبر و دگراهربر. نوع سنتی، همراه و هم‌نوا با هنجارهای عاطفی است.

نوع اجتماعی خودراهبر، به‌طور عاطفی، خودکنترلی است و به‌وسیله یک تدبیر و نقشه اخلاقی درونی، کنترل و راهبری می‌شود. نوع اجتماعی دگر راهبر، نشانه‌هایی از تأیید از دور و نزدیک جست‌وجو می‌کند. رایزمن تغییری از نوع اجتماعی سستی به نوع اجتماعی خودراهبر در جوامع مدرن اولیه تشخیص می‌دهد که با ادعاهای الیاس تطابق دارد. اما وی مرحله‌ای جلوتر می‌رود و می‌گوید که جوامع امروزی وارد مرحله جدیدتر دگرراهبر می‌شوند و این نوع اجتماعی مسلط می‌شود. این سه نوع اجتماعی در پی تأیید و تشخیص هستند؛ اما برای مرحله دگرراهبر، این تأیید و تشخیص تبدیل به حوزه اصلی حساسیت می‌شود: زندگی حول گرفتن تأیید اجتماعی و تشخیص می‌چرخد و زمانی که تأیید اجتماعی نباشد، حول خشم و عصبانیت می‌چرخد (رایزمن و همکاران^۱، ۱۹۵۰).

جانانان اچ ترنر

نظریه عمومی جامعه‌شناختی ترنر نظریه‌ای ترکیبی است که در آن از سنت‌های نظری جامعه‌شناسی احساسات استفاده شده است. ترنر با بهره بردن از نظریه‌های کنش متقابل نمادین، کنش متقابل آیینی (کالینز)، تحلیل نمایی (گافمن، هوشیلد)، نظریه‌های قدرت و منزلت (کمپر، کالینز) نظریه خود را تدوین کرده است (خوارسگانی و کیان‌پور، ۱۳۸۸).

ترنر در نظریه خود بیان می‌کند بشر نیازهای بنیادینی دارد که رفع آن‌ها را در گرو تعامل رو در رو می‌بیند. نیازهایی نظیر نیاز به تأیید، نیاز به پاداش‌های مفید مبادله‌ای، نیاز به عضویت گروهی و نیاز به واقع‌بودگی (ایید، ۱۹۹۸، به نقل از مقدس و قدرتی، ۱۳۸۹). ترنر در بحث نیاز به خود، خود را در سه سطح خود بنیادی، هویت‌های خرد و هویت‌های نقش در نظر می‌گیرد و به این نکته تأکید می‌کند که انسان همیشه به دنبال تأیید خود در تعامل با دیگران است. تعامل در هریک از این سه سطح با توجه به اهمیت آن نیز تفاوت پیدا می‌کند. ترنر بیان می‌کند زمانی که خود تأیید شود به دنبال آن فرد عواطف مثبتی را تجربه می‌کند. در بحث نیاز به پاداش مبادله‌ای ترنر به این امر اشاره می‌کند که افراد در مبادله منابع، منفعت و پاداش را مورد توجه قرار می‌دهند. در این مبادله عاطفه مثبت معطوف به با ارزش دانستن خود در مبادله با افراد است. میزان منفعت و پاداش نیز براساس موارد مختلف ارزیابی می‌گردد و زمانی که افراد این تصور را داشته باشند که میزان دریافتی‌هایی که معطوف به آن‌ها بوده از هزینه‌هایشان بیشتر بوده است عاطفه مثبت را تجربه خواهند کرد. نیاز به عضویت گروهی به این امر اشاره دارد که افراد خود را نیازمند این می‌دانند که خودشان به عنوان بخشی از جریان کنش‌ها و تعامل‌ها و پیوندهای موجود بدانند. این نیاز به پیوند با دیگران این معنا را القا نمی‌کند که افراد همواره در سطح بالا پیوند با دیگران قرار بگیرند، بلکه می‌خواهند دیگران آن‌ها را در نظر داشته باشند، این می‌تواند باعث شود افراد تجربه عاطفه مثبت را بدست بیاورند. در ادامه اعتماد هم نیازی است که با توجه به آن افراد می‌خواهند اطمینان حاصل کنند که ۱- دیگران رفتارهایشان پیش‌بینی پذیر است. ۲- صادقانه به تعامل می‌پردازند و واکنش‌های دیگران دلالت بر احترام به خود دارد. زمانی که افراد احساس کنند تمام این موارد به حقیقت پیوسته عاطفه مثبتی را تجربه خواهند کرد. نیاز به واقع‌بودگی به این امر اشاره دارد که افراد در یک تعامل رو در رو این احساس را دریافت کنند که ۱- شخص و دیگران به اندیشه مشترک و بین‌الذهانی می‌رسند، ۲- موقعیت همان است که بنظر می‌رسد، ۳- موقعیت تجربه شده توسط خود و دیگران ماهیتی سخت و محک دارد. هنگامی که افراد در تعامل خود به واقع‌بودگی برسند عاطفه مثبت را تجربه می‌کنند (ایید، ۱۹۹۸، مقدس و قدرتی، ۱۳۸۹).

ترنر معتقد است انگیزه‌های ذهنی نیازمند انتظارات خاصی است که باید در ذهن فرد و معطوف به موقعیتی که در آن قرار گرفته است وجود داشته باشد. در واقع این انتظارات باعث می‌شوند که فرد تعبیر و تفسیر از موقعیتی که در آن قرار دارد ارائه دهد. این انتظارات رفتار فرد و واکنش‌های آن را به رفتارهای دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد (ترنر، ۱۹۹۹، به نقل از خوارسگانی و کیان‌پور، ۱۳۸۸).

لئون فستینگر

نظریه فستینگر در مورد فرآیندهای مقایسه اجتماعی (فستینگر، ۱۹۵۴) همچنان عرصه‌ای فعال برای نظریه و تحقیق است. فستینگر مقصود خود از مقایسه اجتماعی چنین بیان می‌کند که افراد مهارت‌ها و نگرش‌هایشان را در قیاس با دیگران ارزیابی می‌کنند (فستینگر، ۱۹۵۴، به نقل از مقدس و قاسمی‌پور، ۱۴۰۰). فستینگر به موضوع تاثیر گروه بر فرد می‌پردازد. او در مطالعه‌ای که در دهه ۵۰ میلادی انجام داد، به بحثی تحت عنوان فرآیند تاثیرگذاری افکار در گروه‌های اجتماعی پرداخت. در این مطالعه عناصری که بر شکل‌گیری افکار فرد در گروه تاثیر می‌گذاشتند بررسی شد. فستینگر معتقد است نظریه‌ای که او طراحی کرده است توانایی این را دارد که واقعیت‌های زیادی را تفسیر کند و فرضیه‌های گوناگون نیز براساس آن طراحی و ایجاد شوند. مباحث اصلی نظریه فستینگر بدین شرح است:

بحث اول: بشر قادر به ارزیابی افکار و توانایی‌هایش است. با اینکه بنظر می‌رسد فاصله زیادی میان آنچه در افکار است با آنچه در رفتار نشان داده می‌شود و نشانه توانایی فرد به‌شمار می‌رود وجود دارد ولی پیوند کارکردی نیز بایکدیگر دارند. زیرا که افکار و توانایی در یک پیوند کارکردی رفتار را تحت تاثیر قرار می‌دهند. ۲- افراد زمانی که معیارهای غیراجتماعی در دست خود نداشته باشند، افکار و توانمندی‌هایشان را با افکار و توانمندی‌های دیگران مقایسه می‌کنند و به ارزیابی آن می‌پردازند. ۳- افراد در هنگام مقایسه خود با دیگران تمایل دارند با کسی مقایسه شوند که توانمندی‌ها و افکارش تفاوت فاحشی با او نداشته باشد. اگر فرد احساس کند با شخصی مقایسه می‌شود که تفاوت زیادی با او دارد، تمایل او برای قیاس کاهش می‌یابد. ۴- فستینگر معتقد است برخلاف انگیزه برای رشد و تقویت توانمندی، ما نمی‌توانیم برای فکر برتری قائل شویم. درستی یا نادرستی افکار در اینجا صادق است اما رشد فکری معنی دار نیست. ۵- تغییر پیدا کردن توانمندی‌های افراد پیوسته محدودیت‌های عینی و غیراجتماعی را برجسته می‌کند. این در حالی است که محدودیت‌هایی که هنگام تغییر توانمندی‌ها مانع تراشی می‌کنند، در ارتباط با تغییر افکار وجود ندارند. البته ناگفته نماند که تغییر افکار هنگام هم‌جهت شدن با دیگران نیز آسان نبوده و دشواری‌هایی دارد. در این راستا برای کاهش فشار ناشی از تفاوت با آرای دیگران افراد موضوعی اتخاذ می‌کنند: ۶- فرد تلاش می‌کند تا خود را با دیگران همساز کند. تلاش می‌کند با نزدیکی به دیگران آنان را تغییر دهد که البته این مورد به میزان بسیار کم و نیازمند مقدمات و زمان زیادی است. فرد تلاش می‌کند موقعیت مقایسه را برهم بزند یا اینکه از گروه خارج شود. ۷- به هر اندازه که اهمیت گروه برای فرد بیشتر باشد، مقایسه‌ای که فرد در ارتباط با خود و گروه انجام می‌دهد برجسته‌تر است و همین امر سبب می‌شود تا فرد برای همگون شدن با گروه فشار بیشتری را متحمل شود. همچنین انگیزه فرد برای مقایسه خود با گروه نیز عاملی موثر برای تغییر در جهت گروه هدف است. ۸- اگر تفاوت افراد مورد مقایسه یکسان و ثابت باشد تمایل به مقایسه کاهش می‌یابد. ۹- زمانی که در یک گروه مجموعه افکار مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد، کسانی که مشابهت بیشتری با اکثریت دارند مایل هستند به نوعی وضعیت خود را حفظ کنند و برعکس اقلیت را هم به هم‌شکلی فرا بخوانند (سروستانی و ضیاءهاشمی، ۱۳۸۱).

حسرت به‌مثابه یک عاطفه اجتماعی، به‌صورت خاص مورد مطالعه قرار نگرفته است، اما به‌طور کلی توسط نظریات مرتبط با عواطف می‌تواند تبیین شود. در این راستا، در جهت طراحی حساسیت نظری و راهنمایی برای ورود به میدان پژوهش، حسرت اجتماعی در بستر امور مادی زندگی، سعی شد، از آرزوهای مادی آنان، حسرت آنان برای مصرف انواع وسایل و لوازم زندگی، حسرت آنان در امور مرتبط با چهره و ظاهر و ... بررسی شوند.

روش‌شناسی

این مطالعه با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. تحلیل مضمون فرایندی انعطاف‌پذیر برای شناسایی الگوها و مضامین در داده‌های کیفی است. در این روش، قبل از تجزیه و توصیف داده‌ها محققان چندین بار متن داده‌ها را بررسی می‌کنند تا با تسلط کامل مضامین را استخراج کنند. در این پژوهش در روند جمع‌آوری داده‌ها به تجزیه و تحلیل قابلیت

اطمینان، اعتبار، تأییدپذیری توجه شده است (براون و کلارک^۱، ۲۰۱۹). از این رو جهت برقرار ساختن قابلیت اطمینان، تمامی مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت دقیق مستندسازی شد تا فرایند پژوهش قابل بازبینی باشد. همچنین برای تقویت اعتبار، پژوهشگران از راهبردهایی همچون تحلیل موارد منفی، مرور همتایان، مشارکت بلندمدت در میدان مطالعه، سه‌سویه‌سازی و کنترل توسط اعضا استفاده کرده‌اند. در نهایت به منظور تأییدپذیری پژوهش، از هرگونه سوگیری پرهیز شده و شواهد گسترده‌ای از داده‌ها ارائه شده است (کرسول، ۱۳۹۱).

در این مطالعه پژوهشگران همکاری ۲۳ نفر از جوانان شهر یزد را در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی و شغلی تحقق بخشیدند. انتخاب این نمونه به صورت نظری و هدفمند صورت گرفت. روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته حاصل شد، زیرا گفتمان‌های تفسیری در تمامی رویکردهای تفسیرشناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در مطالعه پیش‌رو، پژوهشگر سعی داشت در طول مصاحبه با مشارکت‌کننده به صورت طولانی و مداوم در ارتباط باشد؛ به‌طوری که گفت‌وگوها صمیمانه انجام گیرد. موردهایی متضاد و متناقض مورد بررسی قرار می‌گرفت. مصاحبه به صورت همدلانه و با تأیید صحبت‌های مشارکت‌کننده پیش رفت. در همین راستا، پژوهشگر سعی کرد از پیش داوری و قضاوت مشارکت‌کننده و مصاحبه بپرهیزد.

نمونه‌گیری پژوهش حاضر بر اساس نمونه‌گیری نظری و هدفمند دنبال شده است. منطق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب مواردی دارای اطلاعات غنی است که امکان مطالعه عمیق را فراهم می‌سازند؛ در واقع از رهگذر این نمونه‌گیری، پژوهشگر می‌تواند اطلاعات فراوانی را در ارتباط با مسأله و هدف تحقیق کسب کند. براساس نمونه‌گیری نظری داده‌ها بواسطه مفاهیم و مقوله‌های درحال تکوین با هدف کشف حداکثر گوناگونی‌هایی که می‌تواند منجر به تغییر در ویژگی‌های مفهومی‌ها شده، گردآوری می‌شود، تا بر غنای مقوله‌ها بیفزاید. اعتبار تحقیق بر اساس ملاک‌های موجود مورد بررسی قرار گرفت (مرادی و همکاران، ۱۴۰۴؛ مرادی و همکاران، ۱۴۰۲) و بازاندیشی انتقادی در یافته‌ها نیز رخ داد (زارعی محمودآبادی، ۱۴۰۳).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از نرم‌افزار MAXQDA2020 استفاده شد که به‌ویژه به دلیل مزایای آن در پردازش و تحلیل داده‌های کیفی انتخاب شد. پژوهشگران به‌طور کلی در تحلیل داده‌ها از دو رویکرد اصلی استفاده می‌کنند: تحلیل داده‌ها توسط پژوهشگر و تحلیل با استفاده از نرم‌افزارهای خاص. در این تحقیق به‌منظور تسهیل فرایند و افزایش دقت در طبقه‌بندی داده‌ها استفاده از نرم‌افزار انتخاب شده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

شماره مشارکت‌کننده	سن	جنس	شغل	وضعیت تاهل	میزان درآمد
۱	۲۷	مونث	ناخن کار	مجرد	۱۲-۲۵
۲	۲۱	مذکر	ورزشکار و محصل در رشته علوم ورزشی - شمشیر باز و قهرمان آسیا	مجرد	عدم ذکر
۳	۳۴	مونث	استاد دانشگاه	متاهل	۲۵-۳۰
۴	۲۷	مذکر	نقاشی خودرو	متاهل	۱۰۰
۵	۲۴	مذکر	دانشجو رشته نساجی - پاره‌وقت کارخانه نساجی	مجرد	۱۲
۶	۲۰	مونث	دانشجو رشته حقوق	مجرد	۷
۷	۲۰	مونث	دانشجو مهندسی نساجی	مجرد	۶
۸	۱۸	مونث	دانشجو رشته برق - ساخت تابلوهای برقی و تعمیر درب‌های کرکره‌ای	مجرد	۱۰-۳۰
۹	۲۲	مذکر	علوم ورزشی، راننده اسنپ	مجرد	۷-۱۰
۱۰	۱۹	مذکر	دانشجو رشته حقوق، گرافیسیت و طراح پوستر	مجرد	۱۵
۱۱	۲۳	مونث	معلم	متاهل	۱۲
۱۲	۱۹	مذکر	دانشجو مهندسی شیمی	مجرد	۱۲

ادامه جدول شماره ۱

شماره مشارکت‌کننده	سن	جنس	شغل	وضعیت تاهل	میزان درآمد
۱۳	۲۵	مونث	شرکت و آنلاین شاپ لدورا	مجرد	۹
۱۴	۲۷	مونث	تاپیست، انجام کارهای دانشجویی	مجرد	۸
۱۵	۱۹	مذکر	دانشجو رشته حقوق،	مجرد	۶
۱۶	۲۳	مذکر	دانشجو مهندسی مواد و متولوژی، خرید و فروش سم و کود	مجرد	۵۰-۱۰۰
۱۷	۲۵	مونث	دانشجو ارشد ژنتیک، گرافیک و فتوشاپ	مجرد	۱۵
۱۸	۳۲	مذکر	عمران	متاهل	۳۰
۱۹	۳۵	مذکر	سنگ کاری ساختمان	متاهل	۳۰
۲۰	۳۰	مونث	خانه‌دار	متاهل	۰
۲۱	۳۰	مونث	دانشجو	متاهل	۵
۲۲	۳۲	مونث	خانه‌دار	متاهل	۵
۲۳	۲۹	مذکر	مهندس شیمی	مجرد	۱۸

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش از ۹۲ مفهوم، ۲۴ مضمون فرعی و ۵ مضمون اصلی حاصل شده است که سعی می‌شود در ادامه بر اساس مضامین اصلی تشریح شوند.

جدول شماره ۲: مضامین فرعی و اصلی پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی
آرزوهای حسرت شده	حسرت‌های فراوان
	آرزو شدن خواسته
	حسرت خوردن برای زندگی
	پشیمانی از تلاش نکردن
تهی شدن از آرامش‌های معنوی	اهمیت داشتن مادیات
	آسایش در سایه مادیات
	حسرت نداشتن پول
	نگرش صرفاً مادی‌گرایانه
زیست آرمانی	حسرت دیده نشدن در مادیات
	حسرت مستقل نشدن
	حسرت وسیله نقلیه دلخواه
	حسرت استعداد تحصیلی
	حسرت وسایل مدرن
غرق شدن در مصرف نشانه‌ها	وجود چشم و هم چشمی در افراد
	مصرف‌گرایی
	احساس شخصیت در مصرف نشانه‌ها
	چشم و هم چشمی از نظر خرید لباس
	تقلید بی جا
ظاهرگرایی	برندگرایی
	دوست داشتن مارک
	به چشم آمدن با لباس مارک
	مهم بودن گران بودن مارک
	فرصت از دست رفته به خاطر کوتاهی قد
	اهمیت داشتن ظاهر

آرزوهای حسرت شده

در جامعه‌شناسی فاصله میان آرزوها و امکانات یکی از منابع اصلی نارضایتی است؛ چنانچه مرتن نیز در تئوری ناهماهنگی اهداف و ابزار خود به آن اشاره کرده است. به‌طورکلی، آرزوهای حسرت‌شده به مجموعه‌ای از خواسته‌ها و آرزوهایی اطلاق می‌شود که فرد در دوره‌ای از زندگی خود به آن‌ها دست نیافته یا قادر به دستیابی به آن‌ها نبوده است. چنین آرزوهایی می‌توانند به‌صورت مادی (مانند داشتن اموال، موقعیت‌های اجتماعی، یا دستاوردهای اقتصادی) یا معنوی (مانند برقراری ارتباطات عاطفی مطلوب، رشد فردی و معنوی یا رسیدن به اهداف آرمانی در زندگی) بروز نمود پیدا کنند. در این میان، جوانان با آرزوهایی که برایشان دست نیافتنی می‌ماند، به‌ویژه در دوران نوجوانی، با نوعی حسرت و غم مواجه می‌شوند که نه تنها بر وضعیت روانی و عاطفی آن‌ها اثرگذار است، بلکه می‌تواند به‌طور مستقیم بر نگرش‌های اجتماعی، ارتباطات فردی و حتی تصمیمات آتی آن‌ها نیز موثر باشد. در بسیاری از موارد، این حسرت‌ها ریشه در عدم تحقق خواسته‌ها و آرزوهایی دارند که در ذهن فرد از قبل شکل گرفته‌اند و حتی ممکن است با مرور زمان و تغییر شرایط، به آرزوهایی غیرقابل دسترس تبدیل شوند. این مضمون اصلی از ۴ مضمون فرعی و ۲۸ مفهوم تشکیل شده است. یکی از مضامین فرعی، حسرت‌های فراوان است که شامل مجموعه‌ای از آرزوهای محقق‌نشده است که در ذهن فرد باقی مانده و به‌مرور زمان باعث شکل‌گیری احساس ناکامی می‌شود. مقوله دیگر، آرزو شدن خواسته است که به مواردی اشاره دارد که فرد برای آن‌ها تلاش کرده، اما به دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی یا خانوادگی، آن‌ها همچنان در حد یک آرزو باقی مانده‌اند. همچنین، حسرت خوردن برای زندگی نشان‌دهنده حالتی است که فرد به دلیل نداشتن برخی امکانات یا تجربه‌های خاص، زندگی خود را ناقص و ناکامل می‌بیند. در نهایت، پشیمانی از تلاش نکردن به حالتی اشاره دارد که فرد احساس می‌کند اگر در گذشته بیشتر تلاش می‌کرد، شاید می‌توانست به برخی از آرزوهای خود دست یابد، اما اکنون فرصت را از دست داده است.

مسئله بودن «آرزوهای حسرت‌شده» در این است که این حسرت‌ها می‌توانند به عنوان عاملی برای کاهش انگیزه، افزایش ناامیدی و حتی ایجاد چالش‌های روانی در جوانان مطرح شوند. این حسرت‌ها نه تنها به عنوان عوامل ناخوشایند و دلسردکننده، بلکه به عنوان محرک‌هایی برای احساس شکست و نقص در خود در نظر گرفته می‌شوند. به ویژه زمانی که جوانان در برابر محدودیت‌ها و شرایط اجتماعی نابرابر قرار می‌گیرند، حسرت به دلیلی از دست دادن امکانات مادی یا معنوی به‌طور مداوم در ذهنشان تکرار می‌شود و این امر می‌تواند باعث کاهش اعتماد به نفس و کاهش سطح شادابی و رضایت از زندگی شود. مشارکت‌کننده پانزدهم در این زمینه بیان نمود:

«ببینید ما یکی حسرت داریم، یکی حسد داریم. حسد یعنی اگر طرف مقابلم یه چیزی داشته باشه و من نداشته باشم میگم که من ندارم پس اونم نباید داشته باشه. حسرت یعنی این که اگر طرف مقابلم یه چیزی داشت من میگم اون داره کاش منم داشته باشم و حسد میتونم بگم عه یک پله‌ای رو به پایین که انسان را ذلیل و خوار میکنه اما حسرت میتونه که انسان رو به موفقیت برسونه. حسرت... حالا وجه مادی هست، معنوی داریم و افرادی می‌بینیم که توی حالا توی جامعه خودمون در کنار این که ثروت دارن، افراد خوش‌نامی هستن و کسایی هم هستن در کنار این که ثروت دارن حالا به دلیل شبه در ثروتشون افراد بدنامی هستن و کسایی هستن بهشون می‌خوریم که هم ثروت دارن تو جامعه هم خوش‌نام هستن».

همچنین مشارکت‌کننده سیزدهم در این مورد گفت:

«به چیزی که نرسیم. حالا هر چی میشه میتونه اسمش حسرت باشه. حالا حسرت چه مادی چه معنوی. به نظرم چیزیه که می‌خوای اما نمی‌تونی بهش برسی و تو اون لحظه نداریش؛ مثلاً یه بچه تو ده سالگی با یه دوچرخه می‌تونه خوشحال بشه ولی اگه بهش نرسه حسرتشو می‌خوره ولی اگه بشه پونزده سالش بیست سالش بهش بدن دیگه ذوقی براش نداره. حسرت چیزیه که وقتی بهش نیاز داری بهش نرسی».

تهی شدن از آرامش‌های معنوی

آرامش‌های معنوی در نوع خود به عنوان سرمایه‌های نمادین شناخته می‌شوند. به نوعی می‌توان گفت افراد در شرایط حاد و بحرانی با توسل به منابع معنوی مورد تایید خود به نوعی امنیت روانی دست یافته و خود را بازسازی می‌کنند. در این رابطه، تهی شدن از آرامش‌های معنوی به حالتی اشاره دارد که در آن فرد به تدریج از منابع غیرمادی آرامش‌بخش، مانند معنویت، ارتباطات عمیق انسانی و رضایت درونی، فاصله می‌گیرد و آسایش را صرفاً در امور مادی جستجو می‌کند. این وضعیت در میان جوانان به‌ویژه زمانی تشدید می‌شود که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی بیش‌ازپیش بر اهمیت مادیات تأکید کنند و موفقیت را در ثروت و امکانات مالی تعریف نمایند. در این شرایط، مفهوم آرامش از حالت درونی و ذهنی به امری وابسته به ثروت و رفاه بیرونی تبدیل می‌شود.

این مضمون اصلی از ۴ مضمون فرعی و ۱۷ مفهوم تشکیل شده است. مضامین فرعی عبارتند از: اهمیت داشتن مادیات که از منظر برخی پاسخگویان حاکی از آرامش و آسایش در سایه مادیات، حسرت نداشتن پول و نگرش صرفاً مادی‌گرایانه آسایش در سایه مادیات است. بسیاری از جوانان آسایش را با تأمین مالی گره زده‌اند و معتقدند که تنها در صورت داشتن منابع مالی کافی می‌توانند احساس آرامش کنند. از سوی دیگر، تأثیر شبکه‌های مجازی بر مادی‌گرایی به این نکته اشاره دارد که پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، که مصرف‌گرایی و تجملات را برجسته می‌کنند، نقش مهمی در تغییر نگرش جوانان نسبت به ارزش‌های زندگی داشته‌اند. مقوله حد مادی‌گرایی نشان می‌دهد که برخی از جوانان تلاش دارند بین نیازهای مالی و قناعت شخصی تعادل برقرار کنند، درحالی‌که برخی دیگر همچنان خود را درگیر رقابت مادی می‌بینند. در نهایت، عدم توجه به مادیات اشاره به گروهی از جوانان دارد که به‌رغم اهمیت قائل شدن برای ملزومات اولیه زندگی، خود را اسیر مصرف‌گرایی افراطی نکرده و تلاش می‌کنند زندگی ساده‌تری داشته باشند.

مسئله بودن این وضعیت از آن جهت است که وقتی آرامش درونی جای خود را به نگرانی‌های مادی بدهد، حسرت‌های اجتماعی در جوانان افزایش می‌یابد. این طرز تفکر می‌تواند منجر به سرخوردگی، مقایسه‌های دائمی با دیگران و نارضایتی مزمن از زندگی شود. همچنین، مصرف‌گرایی افراطی که از طریق شبکه‌های اجتماعی تشدید می‌شود، می‌تواند باعث شکل‌گیری نوعی سبک زندگی ناپایدار شود که در آن ارزش افراد بر اساس میزان دارایی‌هایشان سنجیده می‌شود. مشارکت‌کننده پنجم در مورد آسایش در سایه مادیات بیان کرد:

«مادیات برای همه باید اهمیت داشته باشد. مادیات تحت هر شرایطی باید اهمیت داشته باشد؛ چون آسایش تو مادیاته (هست). شما به آدم موفق و فهمیده پولدار باشی خیلی بهتره تا به آدم فهمیده بدبخت باشی. درسته پس مادیات باید وجود داشته باشد».

از سوی دیگر، مشارکت‌کننده بیست در مورد تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مادی‌گرایی گفت:

«خب قاعدتاً شاید قبلاً نبود پولی تقریباً یک دو سه سالی هست که نسبت به قبل خیلی توجه بیشتری به مادیات دارم و شاید به خاطر اینستاگرام و تجمل‌گرایی‌های وایرال شده باشد».

در مورد حد مادی‌گرایی، مشارکت‌کننده شانزدهم اظهار داشت:

«نمی‌تونم بگم مادی‌گرا نیستم و شدت و ضعف داره. مادیات برام مهمه اما نه به اون شدت، به نظرم تا مقداری بله من به خیلی چیزها علاقه دارم البته به نظرم همه آدم‌ها مقداری مادی‌گرایی رو دارن و در درون ما ذات ما انسان‌ها این هستش چون ما انسانیم و در این دنیا زندگی می‌کنیم».

همچنین، مشارکت‌کننده بیست و دوم در مورد عدم توجه به مادیات بیان کرد:

«آدم نباید مادی‌گرا باشد و من مادی‌گرا نیستم ولی در عین حال که مادی‌گرا نیستم ولی ملزومات اولیه زندگی و نباید ازش گذشت و باید این که برای بهتر کردن زندگی و بهتر زندگی کردن ملزومات لازم و داشته باشیم».

زیست آرمانی

مقوله «زیست آرمانی» به تصویری از یک زندگی ایده‌آل اشاره دارد که فرد در آن به تمامی خواسته‌ها، نیازها و آرزوهای خود دست یافته است. جوانان اغلب تصویری از آینده‌ای مطلوب در ذهن دارند که شامل استقلال مالی، داشتن وسایل مدرن، پیشرفت تحصیلی، تأمین نیازهای شخصی و اجتماعی و حتی دیده شدن و تأیید شدن از سوی دیگران است. چنین تصور و زیست آرمانی به عنوان یک محرک انگیزه عمل کرده و به شخصیت و رفتار فرد جهت می‌بخشد. بر همین اساس می‌توان گفت، هر فردی بنابر شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... خاصی که در آن زندگی می‌کند، دارای زیست آرمانی خاص خود است. با این وجود، زمانی که این تصویر ایده‌آل با واقعیت زندگی آن‌ها تطابق نداشته باشد، احساس حسرت شکل می‌گیرد. زیست آرمانی از پنج مقوله فرعی حسرت دیده شدن، حسرت مستقل نشدن، حسرت وسیله نقلیه دلخواه، حسرت استعداد تحصیلی و حسرت وسایل مدرن تشکیل شده است که نشان‌دهنده ابعاد مختلف این حسرت در زندگی جوانان است. مسئله بودن این مقوله از آنجا ناشی می‌شود که در دنیای امروز، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی افراد دیگر، انتظاراتی فراتر از واقعیت را در ذهن جوانان شکل داده است. این انتظارات ممکن است منجر به مقایسه مداوم، احساس کمبود و در نهایت نارضایتی از شرایط موجود شود. بسیاری از جوانان با وجود تلاش فراوان، به دلیل موانع اقتصادی و اجتماعی، به سطحی از زندگی که در ذهن خود ترسیم کرده‌اند نمی‌رسند و همین موضوع، آن‌ها را دچار احساس عقب‌ماندگی و ناکامی می‌کند. چنانچه مشارکت‌کننده دوازدهم در مورد در جستجوی آرمان‌ها چنین بیان کرد:

«از خیلی از لحاظ‌ها. از لحاظ ظاهری خیلی. حس می‌کنم اون ظاهری که دوست دارم رو ندارم، ولی خب مثلاً به آدم خیلی خوشگل و خیلی خوش‌اندام به چشم بیاد، خیلی خودم رو با اون‌ها مقایسه کردم. در این جور چیزی، زیاد بوده. دیگه مثلاً فلانی به ماشین خیلی مدل بالایی داره، دوست داشتم داشته باشم، ولی نمی‌تونم داشته باشم. اینجور چیزی بوده. مثلاً فکر می‌کنم اون چه کار کرده که الان دارایی داره».

مشارکت‌کننده چهاردهم در مورد حسرت‌های زندگی چنین گفت:

«مثلاً من خودم از لحاظ مادیات گوشی محروم بودم ازش. نه چیزی محروم نبودم ازش ولی ارتدسنی که همچنان دارم برایش پول جمع می‌کنم و بهشم نمی‌رسم و دائم داره گرون‌تر میشه. به جورایی شبیه مسابقه دو شده هر چی پول جمع می‌کنم بهی بهی نمی‌رسم و منم همین‌طور درمان دندان هست که فوق‌العاده الان هزینه‌هاش بالاست. الان من می‌خوام دندانم رو ایمپلنت کنم خیلی وقته ولی نمی‌رسم بهش. من به ارتدسنی رفتم گفتن هنوز فکت کوچیکه دندانای عقلت درمیاد و اینا اون تایم پولش رو داشتم ولی زمان درستی نبود. دانشجو که شدم یعنی سال ۹۶ به لپتاپ خیلی معمولی گرفتم که گفتم حالا بعداً ارشد که شدم میام به خوبی می‌گیرم بعد یهو از ۲ میلیون شد، بیست میلیون و این الان معضل منه که نمیشه الان همون معمولی خودم شده بیست میلیون چیزی که الان می‌خوام حدوداً ۶۰-۷۰ میلیون به حافظش و اینا می‌خوام کار گرافیک و اینا انجام بدم الان لنگ لپتاپم که تازگیا اضافه شده. این که باعث حسرت بشه دندانمو مثلاً گاهی خودم رو توی عکس می‌بینم دهنم بازه می‌گم ای کاش صاف بود. لپتاپ که نه حقیقتاً چون کاری که الان دارم انجام میدم به همون لپتاپ معمولیم راه میفته نهایتاً یکم گرافیک کار کردن رو می‌اندازم عقب‌تر».

مشارکت‌کننده نهم در مورد حسرت مستقل شدن چنین گفت:

«خب بعضی وقت‌ها آدم شرایط مثلاً مالیش ممکنه که بدتر وقت که به وقت‌ها باشه. مثلاً شاید به وقت‌هایی حتی مثلاً به ساعت بخوای ولی نتونی بخری. به وقت‌ها هم به چیزهای بزرگ‌تریه، مثل ماشین. مثلاً دوست داری به ماشین داشته باشی، به زندگی مستقل داشته باشی، ولی نتونی. الان مثلاً واقعاً دوست داشتم به زندگی مستقل داشته باشم، خودم مثلاً بتونم روی پای خودم وایستم، ولی نمی‌تونم. حالا جدا زندگی کردن زیاد نه. ولی مثلاً آدم وقتی دستش تو جیب خودش باشه، طبیعتاً خودش بیشتر می‌تونه تو زندگی خودش نظر بده، تا زیر سلطه بقیه باشه. هر چقدر هم که اون‌ها نخوان تو رو زیر سلطه ببرن، باز هم تو زیر سلطه هستی

و از اون طرف فشاری که تو به خانواده‌ت میاری به عنوان یه جوون ۲۱ ساله، واقعاً از نظر من درست نیست. آدم دیگه از یه سنی باید واقعاً فاصله بگیره از خانواده‌اش. فشار مالیش روی خانواده‌ش نباشه».

مشارکت‌کننده ششم در مورد حسرت و سیله نقلیه دلخواه چنین گفت:

«تقریباً همه چیزی که رفیق‌ام داشتن و من نداشتم بعد از یه مدتی دیگه خودم به دستش آوردم. مثلاً یه زمانی هم سن و سالای من توی یه محله‌ای هستیم که معمولاً وضع مالیشون خوبه خدا رو شکر معمولاً اون اولش دوچرخه داشت بعد موتور بود و بعد ماشین بود و اینا رو نداشتم کم کم خودمون کار کردیم و به دست آوردیم. این محرومیت باعث غبطه می‌تونست بشه ولی بیشتر برعکس این داستان بود انگیزه گرفتم بیشتر برم سمت اون چیز... ولی خب زمینه اون طرفشم بود که بخوام افسرده و این داستانا بشم».

غرق شدن در مصرف نشانه‌ها

در جوامع مدرن مصرف فقط برای رفع نیازهای مادی نیست؛ به عبارتی می‌توان گفت، افراد به واسطه خرید برخی کالاها و خدمات درصد نشان دادن هویت، منزلت و سبک زندگی خود به سایرین بوده و به نوعی هویت افراد در لابه‌لای نشانه‌ها ساخته و بازتولید می‌شود. به عبارت بهتر، «غرق شدن در مصرف نشانه‌ها» به پدیده‌ای اشاره دارد که در آن افراد، به‌ویژه جوانان، ارزش و اعتبار اجتماعی خود را از طریق مصرف کالاها، سبک زندگی و نمادهایی که جایگاه آن‌ها را در جامعه تعیین شده، تعریف می‌کنند. در این فرآیند، افراد نه بر اساس نیازهای واقعی خود، بلکه بر مبنای تصورات اجتماعی و رقابت با دیگران به مصرف می‌پردازند. خرید لباس‌های برند، داشتن گوشی‌های جدید، ماشین‌های لوکس و حتی نمایش زندگی تجملی در شبکه‌های اجتماعی از جمله مصادیق این نوع مصرف‌گرایی است. این رفتار بیشتر به دلیل چشم و هم‌چشمی، میل به تأیید اجتماعی و احساس شخصیت از طریق مصرف نشانه‌ها شکل می‌گیرد.

این مضمون از ۶ مضمون فرعی و ۱۵ مفهوم تشکیل شده و مسئله بودن این مقوله از آنجا ناشی می‌شود که مصرف‌گرایی مبتنی بر نشانه‌ها، حسرت اجتماعی را در میان جوانان تقویت می‌کند. افراد خود را با کسانی مقایسه می‌کنند که امکانات و جایگاه اجتماعی بالاتری دارند و این امر به احساس نارضایتی و نداشتن دستاوردهای کافی در زندگی دامن می‌زند. همچنین، تمرکز بیش از حد بر مصرف‌گرایی باعث می‌شود که ارزش‌های واقعی مانند تلاش، دانش، و رشد فردی کم‌رنگ شود و افراد به جای سرمایه‌گذاری روی توانایی‌های خود، به دنبال رقابت بی‌پایان در زمینه‌های مادی باشند.

مشارکت‌کننده بیست و دوم در مورد وجود چشم و هم‌چشمی در افراد چنین گفت:

«بعضی جاهو کا (جاها) چشم و هم چشم کردم و آگاهی نداشتم و نادون بودم و از وقتی آگاهی پیدا کردم سعی کردم که دیگه چشم و هم چشمی نداشته باشم».

مشارکت‌کننده یازدهم در مورد چشم و هم‌چشمی از نظر خرید لباس چنین گفت:

«چشم و هم چشمی کردن... اره، با دختردایییم. فاصله سنیمون کمه... سر لباس ولی دیگه چون خیلی از هم دور شدیم سنمونم رفت بالاتر کمتر میشد ولی هنوزم می‌فهمیدم اون حس رو نسبت به من داره ناخودآگاه دوباره میرم سمتش. اون با من خوب نیست. من خیلی سعی می‌کردم باهاش خوب باشم ولی اون نمی‌زاره».

مشارکت‌کننده بیستم در مورد رقابت کردن با دیگران چنین گفت:

«مگر در زمینه علم، خودم و از لحاظ سواد خیلی قیاس می‌کنم و این قیاس مفید بوده و آره یه هم‌کلاسی دارم که واقعاً کارش خوبه در مورد سوادش منو هم به سمت جلو رونده».

ظاهرگرایی

ظاهرگرایی نیز هم‌راستا با غرق شدن در مصرف نشانه‌هاست و چیزی فراتر از سلیقه شخصی بوده و توجه بیشتری بر نشانه‌های بیرونی دارد. در همین راستا، مقوله «ظاهرگرایی» به گرایش افراد، به‌ویژه جوانان، برای ارزش‌گذاری بر اساس جنبه‌های بیرونی و مادی مانند پوشش، برندهای لوکس، ویژگی‌های ظاهری و جایگاه اجتماعی اشاره دارد. در چنین چارچوبی، داشتن لباس‌های برند، ظاهر آراسته و ویژگی‌های فیزیکی مطابق با معیارهای زیبایی جامعه، به‌عنوان معیار موفقیت و مقبولیت در نظر گرفته می‌شود. این مضمون شامل ۶ مضمون فرعی و ۱۵ مفهوم است که نشان‌دهنده ابعاد مختلفی از ظاهرگرایی، از جمله برندگرایی، اهمیت داشتن ظاهر و احساس حسرت ناشی از محدودیت‌های ظاهری است. در این شرایط، افراد نه تنها خود را با دیگران مقایسه می‌کنند، بلکه تلاش می‌کنند از طریق مصرف کالاهای لوکس و توجه به ظاهر، موقعیت اجتماعی خود را بهبود بخشند.

مسئله بودن این مضمون از آنجا ناشی می‌شود که ظاهرگرایی می‌تواند منجر به افزایش حسرت اجتماعی در میان جوانان شود. افراد با مقایسه مداوم خود با دیگران، احساس نارضایتی و کمبود می‌کنند، به‌ویژه اگر نتوانند معیارهای ظاهری مورد انتظار جامعه را برآورده سازند. این امر ممکن است منجر به کاهش عزت‌نفس، احساس نابرابری و حتی رفتارهای افراطی برای جبران این حسرت شود. همچنین، تأکید بیش‌ازحد بر ظاهر می‌تواند باعث شود که افراد به جای تمرکز بر رشد فردی و توانمندی‌های درونی، به دنبال تأیید اجتماعی از طریق مصرف‌گرایی باشند. مشارکت‌کننده هفتم در مورد مقایسه کردن محدودیت چنین گفت:

«افرادی که حس می‌کنم از من بالاتر از لحاظ ظاهری به‌شون نگاه کردم... آره مثلاً میگم کاش حداقل یه ذره مثل اون بودم».

مشارکت‌کننده پنجم در مورد مقایسه شغلی چنین گفت:

«مقایسه شغلی... مقایسه چه می‌دونم تو یه زمینه‌ای در حال کار باشم یا پیشرفت باشم کردم با کسی که اگه از من بالاتر بوده کارایی که موجب پیشرفتم بشه انجام بدم این مدل مقایسه رو کردم».

مشارکت‌کننده دهم در مورد مقایسه کردن موفقیت افراد دیگر چنین گفت:

«مقایسه این که چرا فلانی داره من ندارم یا این که چه تلاشی کرده و من نکردم».

مشارکت‌کننده هجدهم در مورد الگو گرفتن برای مسیر زندگی چنین گفت:

«خب بوده صددرصد از وقتی که بچه بودم مثلاً بیشتر رو کسایی که رو تاریخ تولد، اسم یا افراد مشهور بودند خب مقایسه می‌کردم خودمو صرفاً نه این که اونا مثلاً در چه جایگاهین (چه جایگاهی هستن واسم ببینم من می‌تونم مثلاً به اون جایگاه برسم، خودم مقایسه می‌کردم ببینم چه فاصله‌ای هست برای این که به اونا برسم ولی الان مثلاً چند سالی است که خیلی ساله یعنی خودمو با کسی مقایسه نکردم بیشتر رقابت شاید بوده ولی مقایسه هیچ وقت نبود هیچ وقت دیگه زندگی کسیو حسرتشو نخوردم».

مادی‌شدن ارزش اجتماعی و بازتولید حسرت اجتماعی

این مضمون را می‌توان به عنوان مضمون نهایی و ابرمضمون اکتشاف شده قلمداد کرد. در واقع تمامی مضامین استخراج شده را می‌توان در قالب این مضمون بسط و توضیح داد. این مضمون نشان می‌دهد که آنچه در پستوی یک احساس فردی که در ظاهر امر فردی و خرد دارد، ساختاری از روابط اجتماعی قرار دارد. ارزش‌های اجتماعی در جهان معاصر پیش از همیشه محتوایی مادی یافته‌اند و این روند منجر شده است که احساسات در پایه‌ای‌ترین حالت ممکن نیز سمت و سویی اجتماعی پیدا کنند. در این میان به واسطه تلاطمات اجتماعی و اقتصادی، افت کیفیت زندگی، تورم و ... مکانیزم‌های مقایسه‌ای در بین جوانان گسترده شده است و منجر به بازتولید حسرت اجتماعی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی بر آن بود تا شکل‌گیری حسرت اجتماعی در بستر امور مادی در میان جوانان یزدی برساخت شود. به‌طور کلی، مادی‌گرایی نه‌تنها به شکل یک گرایش فرهنگی و اجتماعی ظاهر می‌شود، بلکه به‌عنوان سازوکاری برای تعریف موفقیت و ارزش‌های زندگی مدرن نیز عمل می‌کند. در این راستا، آرزوهای حسرت‌شده، تهی‌شدن از آرامش‌های معنوی، زیست آرمانی، غرق‌شدن در مصرف نشانه‌ها و ظاهرگرایی، مضامینی هستند که به واسطه مادی‌گرایی شکل گرفته و حسرت اجتماعی را تقویت می‌کنند. جوانان در مواجهه با شکاف میان آنچه دارند و آنچه می‌خواهند داشته باشند، دچار نوعی ناکامی و احساس محرومیت نسبی می‌شوند که خود زمینه‌ساز حسرت اجتماعی است. چنانچه، توماس (۱۹۲۳) چهار آرزوی اساسی را به‌عنوان پایه‌های زندگی انسان معرفی می‌کند: تجربه جدید، امنیت، دریافت پاسخ و شناخته‌شدن. در جامعه‌ای که مادی‌گرایی حاکم است، این آرزوها به‌طور نامتوازن رشد می‌کنند؛ به‌ویژه آرزوی «شناخته‌شدن» که از طریق مصرف‌گرایی و ظاهرگرایی در اولویت قرار می‌گیرد. جوانانی که توانایی تأمین این آرزو را ندارند، دچار حسرت می‌شوند، زیرا جامعه ارزش‌های خود را بر مبنای مادیات تعریف کرده است. این امر مضامین «زیست آرمانی» و «غرق‌شدن در مصرف نشانه‌ها» در یافته‌های پژوهش حاضر را تبیین می‌کنند (توماس^۱، ۱۹۲۳).

از جانب دیگر، بر اساس نظریه محرومیت نسبی، نارضایتی زمانی شکل می‌گیرد که افراد خود را در مقایسه با دیگران، محروم از خواسته‌های ایده‌آل‌شان ببینند (فالجر و مارتین^۲، ۱۹۸۶). در جوامعی که مصرف‌گرایی یک معیار مهم برای ارزش اجتماعی تلقی می‌شود، افراد دائماً خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و حسرت ناشی از نداشتن کالاهای مادی، سفرهای لوکس یا استانداردهای بالای زندگی در آن‌ها شکل می‌گیرد. همان‌گونه که افشانی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق خود نشان داده‌اند، مصرف تظاهری و تمایل به سفرهای لاکچری، نوعی استاندارد برای تعریف جایگاه اجتماعی است و وقتی این امکان برای فرد فراهم نباشد، حسرت مصرفی تشدید می‌شود. همچنین، بر اساس نظریه تحقق آرزو از زیگموند فروید، حسرت زمانی ایجاد می‌شود که فرد نتواند به خواسته‌های خود دست یابد. فروید حسرت را نتیجه‌ای از تعامل میان عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌داند. در جامعه‌ای که ارزش‌های مادی غالب هستند، افراد بیشتر در معرض حسرت قرار می‌گیرند، زیرا موفقیت و خوشبختی بر اساس معیارهای اقتصادی سنجیده می‌شود. این مسئله مضمون «آرزوهای حسرت‌شده» در پژوهش حاضر را تبیین می‌کند.

با این همه، جامعه‌شناسی عواطف تأکید دارد که احساسات و عواطف در چارچوبی اجتماعی ساخته می‌شوند و می‌توانند مبنای کنش‌های فردی قرار گیرند. در جوامعی که مصرف‌گرایی ارزش مسلط است، عواطف مثبت مانند رضایت و آرامش، جای خود را به اضطراب، نارضایتی و حسرت می‌دهند. یافته‌های پژوهش اله‌دادی و همکاران (۱۴۰۲) نیز نشان می‌دهد که هرچه حمایت اجتماعی بیشتر باشد، احساس ناامیدی و یأس کاهش می‌یابد. در جامعه مادی‌گرا، کاهش حمایت‌های اجتماعی و افزایش فشارهای اقتصادی باعث تهی‌شدن از آرامش‌های معنوی و افزایش حسرت اجتماعی می‌شود. همچنین، در پژوهش ابراهیمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶)، مشخص شد که مصرف تجملی و چشم و هم‌چشمی در زنان طبقه متوسط رو به بالا، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش حسرت است. این یافته‌ها با مضمون «ظاهرگرایی» در پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد، زیرا در جامعه‌ای که افراد از طریق نشانه‌های مصرفی هویت خود را تعریف می‌کنند، کسانی که توانایی رقابت در این عرصه را ندارند، دچار حسرت و نارضایتی می‌شوند. با این وجود، مطالعات کشاورز (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که انسداد اقتصادی و اجتماعی باعث افزایش ناامیدی و میل به مهاجرت در میان دانشجویان می‌شود.

به‌طور کلی وقتی ارزش‌های عمومی در جامعه به‌صورت روزافزون مادی‌تر می‌شوند و یا امور مادی در ارزشگذاری ارزش‌ها نقش بیشتری بازی می‌کنند، در این میدان که خصلتی جهانی دارد، حسرت‌ها از یک وضعیت فردی و مبتنی بر

1. Thomas

2. Folger & Martin

عواطف خرد، به سطحی اجتماعی گذر می‌کنند. سطحی که در آن متغیرهای اجتماعی در زندگی وارد می‌شوند و حسرت را در مقایسه با وضعیت‌های واقعی/نمادین برساخت می‌کنند. در این اثنا، با گسترش مصرف رسانه‌ای و گسترش مقایسه با دیگر فرهنگ‌ها در سطحی جهانی این امر مسئله‌مندتر می‌شود و حسرت‌ها به طور کامل سویه اجتماعی به خود می‌گیرند. در واقع دنیای اجتماعی حسرت‌های فرد را شکل می‌دهند و آن را بازتولید می‌کنند. همه این موارد در کنار تورم فزاینده، تلاطمات اقتصادی، پیش‌بینی ناپذیری زندگی و ... به صورت فزاینده‌ای رشد می‌کند. در واقع در چنین شرایطی، مادی‌گرایی به عنوان یک واکنش جایگزین برای کسب ارزش اجتماعی مطرح می‌شود. افراد تلاش می‌کنند از طریق مصرف کالاهای لوکس، سفرهای خارجی یا برندهای خاص، جایگاه خود را ارتقا دهند. این مسئله با مضمون «غرق شدن در مصرف نشانه‌ها» در پژوهش حاضر مرتبط است. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مادی‌گرایی نه تنها عاملی برای ایجاد حسرت اجتماعی است، بلکه از طریق آرزوهای حسرت‌شده، ظاهرگرایی، تهی شدن از آرامش‌های معنوی و مصرف‌گرایی، این حسرت را بازتولید می‌کند. نظریه‌های مطرح‌شده از توماس، فولجر، فروید و سایر پژوهش‌ها، همگی تأکید دارند که حسرت اجتماعی زمانی تشدید می‌شود که افراد نتوانند به استانداردهای تعیین‌شده جامعه دست یابند. در جامعه‌ای که مادی‌گرایی به عنوان ارزش غالب پذیرفته شده، شکاف میان آرزوهای فردی و واقعیت اجتماعی، به افزایش حسرت و نارضایتی منجر می‌شود.

سپاسگزاری

از تمامی مشارکت‌کنندگان عزیزی که در طی این پژوهش با ما همکاری کردند کمال سپاسگزاری و تشکر را داریم.

تعیین سهم نویسندگان در مقاله: تمامی نویسندگان در ایده، مفهوم‌گذاری، تحلیل و نگارش متن نقش داشته‌اند.

اعلام تعهد و افشا تعارض منافع: نویسندگان هیچ تعارض منافی را گزارش نمی‌کنند.

منابع

- ابراهیمی‌نیا، سعیده، افشانی، سیدعلیرضا، و روحانی، علی. (۱۳۹۷). از مصرف‌پایی تا حسرت مصرف: کاوشی زمینه‌مند از بسترهای اجتماعی شکل‌گیری چشم‌وهم‌چشمی در خرید و مصرف بین زنان شهر مشهد، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۹، شماره ۴: ۱۲۳-۱۴۶. <https://doi.org/10.22108/jas.2018.107564.1218>
- استراوس، آنسلم، و کربین، جولیت. (۱۳۹۴). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اسدی مهدیخان‌محله، نجیبه، زبردست، عذرا، و رضائی، سجاد. (۱۴۰۰). تبیین حسرت‌های بازماندگان درجه اول از مرگ زود هنگام بیماران سرطانی، *روان‌شناسی سلامت، سال ده، شماره ۳۹: ۲۸-۷*. <https://doi.org/10.30473/hpj.2021.57376.5102>
- افراسیابی، حسین، سعیدی‌مدنی، محسن، و شکوهی‌فر، کاوه. (۱۳۹۵). زمینه‌های اجتماعی حسادت در تعاملات روزمره؛ مطالعه کیفی دانشجویان دانشگاه یزد، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هفتم، شماره ۴: ۱۵۲-۱۳۳. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.21158>
- بنی‌جمالی، سیدمحسن و صادقی‌فسایی، سهیلا. (۱۳۹۹). شرایط نامتعین و راهبردهای جوانان در مدیریت ازدواج، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، سال چهاردهم، شماره ۳: ۵۳-۲۶. <https://doi.org/10.22034/jss.2020.244227>
- حشمتی، محمدرضا. (۱۴۰۴). تحلیل علی تأثیر احساس تبعیض قومی بر بیگانگی اجتماعی با نقش میانجی طرد اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان شهرستان قروه)، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، سال نوزدهم، شماره ۱: ۵۵-۳۱. <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2066964.1911>
- جلیل مختار، جلیل، حقیقتیان، منصور، و چیت‌ساز، محمدعلی. (۱۴۰۲). دوگانه امید و یأس اجتماعی در دولت دوازدهم: بررسی عوامل، زمینه و پیامدها، *تغییرات اجتماعی-فرهنگی*، سال بیستم، شماره ۱: ۵۲-۲۹. <http://magiran.com/p2622758>

- ربانی خوراسگانی، علی، و کیانیور، مسعود. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساسات، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۲: ۶۴-۲۵. https://jas.ui.ac.ir/article_18178.html
- زارعی محمودآبادی، علیرضا، روحانی، علی، افشانی، سیدعلیرضا، و موسوی، سیدمحسن. (۱۴۰۳). مردم‌نگاری انتقادی: یک ارزیابی نظری. *تداوم و تغییر اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱: ۲۰۲-۱۸۳. <https://doi.org/10.22034/jssc.2023.19667.1065>
- سید حسینی، سیده متین، کمالی، افسانه و روشنفکر، پیام. (۱۴۰۳). نوجوان و موسیقی: ذائقه مصرف موسیقی در بین دختران نوجوان، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، سال هجدهم، شماره ۴: ۵۷-۷۹. <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2061578.1902>
- کرسول، جان (۱۳۹۱). *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی ...)*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار.
- مرادی، شکیلا، روحانی، علی، و افشانی، سیدعلیرضا. (۱۴۰۲). خودمداری اجتماعی دانشجویان در گذار به جوانی: یک نظریه زمینه‌ای، *تداوم و تغییر اجتماعی*، سال دوم، شماره ۲: ۲۸۵-۲۶۷. <https://doi.org/10.22034/jssc.2024.19711.1066>
- مرادی، شکیلا، سلمان‌زاده، زهرا، روحانی، علی. (۱۴۰۴). بازاندیشی در علوم اجتماعی: یک مطالعه مروری. *تداوم و تغییر اجتماعی*، (۱)۴، ۱۷۶-۱۵۹. <https://doi.org/10.22034/jssc.2024.20878.1094>
- نیومن، ویلیام. (۱۳۸۹). *تسویه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- اله‌دادی، نورالدین، کردزنگنه، جعفر، میرزایی، ابراهیم، و هلیچی، فاطمه. (۱۴۰۲). تحلیل جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های احساس یأس و ناامیدی در بین سالمندان شهر اهواز، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۴ سال چهاردهم، شماره ۲: ۳۷۰-۳۴۳. <https://www.sid.ir/files/server/jf/594-283828-x-1360056.pdf>
- یانی‌چلمردی، احمدرضا، صفدریان، زهره، جعفری‌بنفشه‌دردق، علی، و احمدبوکانی، سلیمان. (۱۳۹۹). بررسی ساختاری الگوی سه‌مرحله‌ای خودکشی (ناامیدی، درد، افسردگی، نیازهای بین‌فردی، ظرفیت اکتسابی خودکشی و اقدام به خودکشی) در دانشجویان. *پژوهش‌های مشاوره، سال نوزدهم، شماره ۷۶: ۱۱۷-۹۲*. <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.19.76.92>

References

- Asher, S., & Paquette, J. Allen. (2003). Loneliness and peer relations in childhood. In S. R. Asher & J. D. Coie (Eds.), *Peer rejection in childhood* (pp. 253-273). Cambridge University Press.
- Bandura, Albert. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*, New York, NY: W. H. Freeman.
- Braun, V., & Clarke, Victoria. (2019). Reflecting on reflexive thematic analysis, *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, Vol, 11, No. 4: 589-597.
- Collins, R. (2004). *Interaction Ritual Chains*, Princeton University Press.
- Ekman, P. (2009). Darwin's contributions to our understanding of emotional expressions. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, Vol. 364, No. 1535: 3449-3451. <https://doi.org/10.1098/rstb.2009.0189>.
- Folger, R., & Martin, Ch. (1986). Relative deprivation and referent cognitions: Distributive and procedural justice effects, *Journal of Experimental Social Psychology*, vol. 22, No. 6: 531-546. [https://doi.org/10.1016/0022-1031\(86\)90049-1](https://doi.org/10.1016/0022-1031(86)90049-1).
- Kemper, T. (1978). *A social interactional theory of emotions*, Wiley.
- Marchetti, I., Alloy, L., & Koster, E. (2023). Breaking the vise of hopelessness: Targeting its cognitive and emotional underpinnings, *Frontiers in Psychology*, Vol. 14, No.1: 113-143. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.113143>.
- Riesman, D., Glazer, N., & Denney, R. (1950). *The Lonely Crowd: A Study of the Changing American Character*, Yale University Press.
- Roese, Neal. J., & Summerville, A. (2005). What we regret most... and why, *Personality and Social Psychology Bulletin*, vol. 31, No. 9: 1273-1285. <https://doi.org/10.1177/0146167205274693>.
- Sarin, S., Abela, J., & Auerbach, R. (2005). The response styles theory of depression: A test of specificity and causal mediation, *Cognition and Emotion*, Vol. 19, No. 5: 751-761. <https://doi.org/10.1080/02699930441000463>
- Sartre, J. (2000). *Sketch for a Theory of the Emotions* (2nd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003572367>.

- Scheve, Ch, & Von Luede, R. (2005). Emotion and social structures: Towards an interdisciplinary approach, *Journal for the Theory of Social Behaviour*, Vol. 35, No. 3: 303–328. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5914.2005.00282>.
- Solomon, R. (1993). *The passions: Emotions and the meaning of life*, Hackett Publishing.
- Thomas, W. (1923). *The Unadjusted Girl: With Cases and Standpoint for Behavior Analysis*, Little Brown Company.
- Zeelenberg, M., Van Dijk, W, Manstead, A., & Van der Pligt, J. (1998). The experience of regret and disappointment, *Cognition & Emotion*, Vol. 12, No. 2: 221–230. <https://doi.org/10.1080/026999398379727>.

The Social Construction of Regret within the Context of Material Aspirations: A Qualitative Study in Yazd

Ali Ruhani^{1*}  | Seyedalireza Afshani² , | Faezeh taghva³ , Shakila Moradi⁴ , |
Bahar Amini Lari⁵  | Saba Samadian Sarbisheh⁶ 

1. Corresponding Author*, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of yazd, Yazd, Iran. Email: Aliruhani@yazd.ac.ir
2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. Email: afshanialireza@yazd.ac.ir
3. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. Email: saragooli.7875@gmail.com
4. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. Email: shakila929moradi@gmail.com
5. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. Email: bahar.a.org@gmail.com
6. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. Email: sabasamadian.h@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Paper

Article History:

Received: 09 November 2025

Accepted: 31 May 2026

Published: 17 October 2026

Keywords:

Youth, regret, social and cultural contexts, political and economic contexts, Yazd.

ABSTRACT

Introduction: Social regret, as a complex phenomenon, is rooted in social, cultural, economic, and political structures and exerts profound effects on the individual and social lives of young people. Accordingly, the primary aim of this study was to explore the social construction of regret among youth and to identify the conditions that lead to the emergence and deepening of social regret.

Methodology: This research employed an interpretive paradigm and used a qualitative method with thematic analysis to collect and analyze the data. The study population consisted of young residents of Yazd, from whom 23 participants were selected through purposive and theoretical sampling. Data were gathered through in- semi-structured interviews and analyzed using the six-phase thematic analysis approach proposed by Braun and Clarke (2019).

Results: From the 23 interviews conducted, 92 initial concepts were extracted. These concepts were subsequently organized into 24 sub-themes, which ultimately converged into five main themes: (1) regretted aspirations, (2) depletion of spiritual tranquility, (3) idealized living, (4) immersion in symbolic consumption, and (5) the predominance of appearance.

Conclusions: The findings indicate that social regret among young people in Yazd is a multidimensional phenomenon shaped by factors that influence their individual and collective experiences either simultaneously or independently. These factors, on the one hand, foster unrealistic and unattainable expectations and, on the other hand, reduce life satisfaction and contribute to social and psychological crises among youth.

Cite this article: Ruhani, A., Afshani, S.A., Taghva, F., Moradi, S., Amini Lari, B., Samadian Sarbisheh, S. (2024). Occupational Risks in the Critical Narratives of Street Sweepers at City of Yazd. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (1), 37-56



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2026.70107.1910](https://doi.org/10.22034/jeds.2026.70107.1910)